

دیگر نمی‌توانم از این شعر بگذرم  
 این بیت آخری ز مزامیر باور است  
 من قول داده بودم اگر شعر سر دَهَم  
 تاجی ز تاج خدایان به سر نَهَم  
 آری صدای خدایان شنیدنی‌ست  
 تاجی که سر گذاشته بودم چه دیدنی‌ست  
 باید نوای خدایان به ما رسد  
 قبل از رسیدن شَرِّ حَاسِدٍ حَسَد...

...

می‌خوانمت، صدا به صدایی نمی‌رسد  
 می‌خوانم این نعره به جایی نمی‌رسد  
 آنجا که گوش فلک از خدا پر است  
 جایی که خَلَقَ بِهِ الْأَهَاكُمُ التَّكَاثُرُ است

...

جایی که ماندنیان رفتنی‌ترند  
 جایی که سنگ‌ها ز شیشه شکستنی‌ترند...